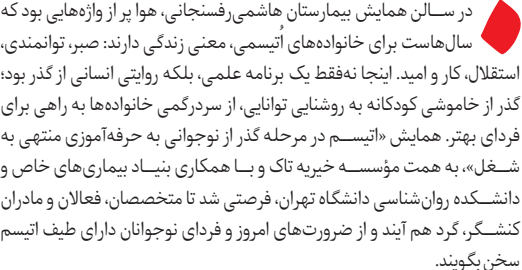


روایت

روایت یک گذر: از سکوت کودکانه تا صدای شغل و استقلال



نمای ساختمان آپارتمانهای مدرن در تهران

در سالن همایش بیمارستان هاشمی‌رفسنجانی، هوا پر از واژه‌هایی بود که سال‌هاست برای خانواده‌های اتیسم، معنی زندگی دارند: صبر، توانمندی، استقلال، کار و امید. اینجا نه‌فقط یک برنامه علمی، بلکه روایتی انسانی از گذر بوده: گذر از خاموشی کودکانه به روشنایی توانایی، از سردرگمی خانواده‌ها به راهی برای فردای بهتر. همایش «اتیسم در مرحله گذر از نوجوانی به حرفه‌آموزی منتهی به شغل»، به همت مؤسسه خیریه تاک و با همکاری بنیاد بیماری‌های خاص و دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران، فرصتی شد تا متخصصان، فعالان و مادران کنشگر، گرد هم آیند و از ضرورت‌های امروز و فردای نوجوانان دارای طیف اتیسم سخن بگویند.

تصویر جامعه از اتیسم را بازسازی کنیم: اولین کسی که روی سن رفت، دکتر رضا پورحسین، رئیس دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران بود؛ با همان آرامش و دقتی که از استادان باسابقه انتظار می‌رود، اما با دغدغه‌ای روشن درباره تصویر عمومی اتیسم. او با اشاره به اینکه «بزرگ‌ترین چالش، شناختن اتیسم به‌عنوان یک طیف است»، گفت: «با آگاهی بخشی و آموزش عمومی، معرفی چالش‌های خانواده و خود افراد، مبارزه با باورهای نادرست و نشان‌دادن نحوه تعامل صحیح با افراد اتیستیک می‌توان به شناساندن اتیسم در طیف‌های مختلف به جامعه کمک کرد». پورحسین که از برنامه‌سازان سابقه‌تولیزون است، رسانه را پلی دانست برای رساندن جامعه به درک بهتر. او از سینما به‌عنوان بزرگ‌ترین مدرسه یادگیری یاد و تأکید کرد که از طریق برگزاری رویدادهای فرهنگی و ورزشی، ساخت فیلم‌های سینمایی و مستند و گفت‌وگوهای علمی و فرهنگی می‌توان در این زمینه اطلاع‌رسانی کرد. چیزهایی که شاید در نگاه اول تفریح به نظر برسند، اما می‌توانند «آگاهی‌ساز» باشند.

دکتر رضا پورحسین، رئیس دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران

از مدرسه تا مهارت: چه چیزی را آموزش می‌دهیم؟ نوبت به دکتر فرید مقیدی، استاد دانشگاه و مدیر مرکز توانی بخشی مفید رسید. عنوان سخنرانی‌اش روشن بود: «اتیسم و اشتغال: پیشنهادهایی برای آماده‌سازی کودکان دارای اتیسم با هدف ورود به جامعه و دنیای کار». او سخنانش را با چند سؤال کلیدی آغاز کرد: «سؤالاتی که نه از سر کنجکاوی، بلکه با دلی پر از تجربه می‌رسید: «آیا ویژگی‌های کودک‌تان را می‌شناسید؟ می‌دانید به چه مهارت‌هایی برای اشتغال نیاز دارد؟ اهداف دوران کودکی را با نیازهای شغلی آینده همسو کرده‌اید؟». مقیدی از تمرکز افراطی بر حرف‌زدن، اصرار بر حضور در مدرسه عادی و حذف کلیشه‌ها انتقاد کرد و بر آموزش اصلاح رفتار، خودیاری و استقلال فردی، حضور در گروه و امکان عمومی تأکید کرد.

«فرانک»هایی که هنوز کسی داستان‌شان را نشنیده: در میانه همایش، سکوتی دیگر از جنس احترام بر سالن حاکم شد. این بار نه برای سخنرانی علمی، بلکه برای یک ادای دین. دکتر شکوه علیزاده‌مقدم و نفیسه رسولی، مدیران مؤسسه تاک، روی سن آمدند تا از مادرانی تقدیر کنند که با وجود فرزندانی در طیف اتیسم، راه را برای خود و دیگران باز کردند. علیزاده با نقل بخشی از داستان شاهنامه آغاز کرد؛ از فرانک، مادر فریدون، زنی که در دل سختی‌ها فرزندش را پنهان کرد، پرورش داد و به جامعه‌ای امیدوار بازگرداند. او به خیریتون این بانو و ارتباطش با نیازمندان اشاره کرد و فرانک را نمادی از مقاومت و ایستادگی در برابر مشکلات دانست. سپس نفیسه رسولی با بغضی در صدا ادامه داد: «ما مادرانی داریم که فرانک‌ها را، فرزندانشان را، امروز ایران‌اند؛ کارهای بزرگی کردند، اما بلندگویی ندارند که صدای‌شان شنیده شود. من پای داستان زندگی مادرانی نشستم که با وجود فرزند اتیستیک خود، کنشگر اجتماعی شدند و خردمندی را به مادران دیگر یاد دادند. تلخی‌ها را به شیرینی تبدیل و کارآفرینی کردند. امروز از سه نفرشان تجلیل می‌کنیم؛ اما هزاران نفر دیگر هم هستند که باید شنیده شوند». وقتی آن سه مادر روی صحنه آمدند، کسی در سالن نماند که بلند نشده باشد. شوقی، فقط صدا نبود؛ نوعی همدم بی‌کلام بود.

اتیسم را دقیق‌تر بشناسیم: دکتر سعید حسن‌زاده، متخصص اختلالات عصبی-رشدی، سخنران سوم بود. او از منظر علمی به افزایش نرخ تشخیص اتیسم پرداخت و گفت: «بخشی از این افزایش به آشنایی بیشتر متخصصان با اختلال و تغییر معیارهای تشخیصی بازمی‌گردد». اما شاید مهم‌ترین بخش صحبت او، اشاره‌اش به تأثیر محیط بر رشد جنین بوده؛ به‌ویژه نقش آلودگی هوا، زندگی کنار بزرگراه‌ها و حتی سن بالای مادر در افزایش ریسک تولد کودکان دارای اتیسم. داده‌هایی که شاید خاموش، اما هشداردهنده‌اند.

از تودکی باید به بزرگ‌سالی فکر کرد: پایان‌بخش همایش، پروفیسر بنیامین بیرکان، مدیر مرکز BBA در راستانبول و استاد دانشگاه البروتی ترکیه بود. مردی آرام و دقیق که تجربه سال‌ها فعالیت در آموزش شغلی برای افراد دارای اتیسم را در چهره‌اش می‌شد دید. او گفت: «برنامه‌ریزی برای آینده شغلی یک فرد دارای اتیسم، از کودکی باید شروع شود». و بعد از مهارت‌هایی گفت که شاید ساده به نظر برسند اما کلید استقلال‌اند: صبرکردن، درخواست کمک، توان انجام فعالیت‌های مداوم بدون نظارت، رفتار متناسب با سن، پیروی از دستورالعمل‌ها.

عکس پایانی، ثبت یک مسیر: در پایان از همه سخنرانان تقدیر شد. لوح‌های یادبود اهدا شد، لیخنه‌ها ردوبدل شد و دوربین‌ها روشن شدند. اما چیزی که ثبت شد، فقط یک عکس نبود: آن قاب، ثبت مسیری بود که خانواده‌ها، متخصصان و کنشگران اجتماعی برای روشن‌کردن آینده نوجوانان طیف اتیسم پیچوده‌اند.

گزارش

تحریم، دامن‌کیت‌های آزمایشگاهی را گرفت

براساس اعلام او، در کنار همه این مسائل، تأمین برخی از کیت‌های خاص هم تبدیل به دغدغه‌ای جدی شده است: «در آزمایش‌های روتین، هنوز می‌توان راه‌حلی پیدا کرد، اما برخی تست‌ها کیت‌هایی می‌خواهند که واقعا به‌سختی تأمین می‌شوند. همین مسئله هم می‌تواند روی تشخیص بیماری‌ها اثر بگذارد. شاید آمار دقیقی نداشته باشیم، اما تجربه‌ها نشان می‌دهند که تأخیر یا نقص در تأمین، گاهی واقعا به ضرر بیماران تمام می‌شود». از نگاه هاشمی، همه ماجرا به اینجا ختم نمی‌شود؛ او معتقد است بخش زیادی از این بحران، از ساختار مدیریت حوزه آزمایشگاه‌ها می‌آید و شاید وقت آن رسیده که در این زمینه تجدیدنظر شود: «سال‌هاست، آزمایشگاه‌های خصوصی داریم. وقتی بیش از ۹۰ درصد خدمات آزمایشگاهی را همین بخش خصوصی ارائه می‌دهد، چرا همه کارها باید زیر چتر دولت بماند؟ بهتر است خود انجمن‌ها و نهادهای تخصصی با پشتوانه قانونی کار را در دست بگیرند، از صدور مجوز تا کنترل کیفیت. دولت هم صرفا نقش نظارتی‌اش را ایفا کند». او به نقش تحریم‌ها هم اشاره می‌کند و در عین حال تأکید دارد که نباید دولت را تنها مقصر دانست: «وقتی صادرات نفت محدود است و درآمد ارزی پایین، طبیعی است که ارز کافی هم برای همه بخش‌ها وجود نداشته باشد. به نظرم دولت در حد توانیش تلاش کرده، اما با واگذاری امور به بدنه تخصصی، می‌شود کارآمدتر عمل کرد». در پایان، او به پیشنهادی عملی‌تر هم اشاره می‌کند: تجمع آزمایشگاه‌های کوچک برای استفاده بهینه از منابع: «در استان‌هایی که تعداد زیادی آزمایشگاه با بیماران محدود داریم، اگر بخشی از این مراکز با هم همکاری کنند، می‌توانند تجهیزات و مواد مصرفی را بهتر مدیریت کنند. این کار نه‌تنها از نظر اقتصادی به‌صرفه‌تر است، بلکه نتایج آزمایش‌ها هم از کیفیت بالاتری برخوردار خواهد بود؛ چون براساس شواهد، آزمایشگاهی که نمونه بیشتری دارد، کنترل کیفیت را هم جدی‌تر دنبال می‌کند».

www.sharghdaily.com

در زمانی که بحران مسکن به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها، شهروندان و سیاست‌گذاران بدل شده، بازخوانی نظریه‌ها و تجربه‌های تاریخی در حوزه ساخت و طراحی مسکن، ضرورتی انکارناپذیر یافته است. کتاب «ساخت مسکن: نظریه نوین در قرن بیستم با تأکید بر تجربیات ژاپن» نوشته پروفیسور شوایچی ماتسومورا، استاد دانشگاه توکیو و رئیس فعلی دانشگاه هنر کوبه، از جمله آثاری است که با نگاهی تحلیلی و آسیب‌شناسانه به معرفی تلاش‌های نظری و عملی در حوزه ساخت مسکن در نقاط مختلف جهان می‌پردازد. این کتاب با تمرکز بر تجربه ژاپن در دوران پس از انقلاب صنعتی، روایتگر چالش‌ها، راهکارها و سرنوشت پروژه‌هایی است که هدف آنها ارائه راه‌حل‌هایی برای ساخت خانه‌هایی ارزان‌تر و باکیفیت‌تر بوده است. مینم معصومی، مترجم این اثر، در گفت‌وگویی مفصل از انگیزه‌هایش برای انتخاب این کتاب می‌گوید: از تمایل به پرداختن به حوزه‌ای کمتر دیده‌شده در معماری -یعنی «نظریه ساخت-» گرفته تا تلاقی این بحث با شرایط امروز ایران در میانه انقلاب دیجیتال. او تأکید می‌کند که این کتاب برخلاف اغلب آثار نظری حوزه معماری، نه درباره فلسفه شکل‌گیری فرم و فضا، بلکه درباره چرایی روش‌های ساخت است؛ درباره انسان‌هایی که خواستند معماری را از لوکس‌سازی برای اقلیت ثروتمند به مسکن‌سازی برای اکثریت تبدیل کنند. از تجربه خانه‌های محقر اما زنده در حاشیه آمریکا تا پروژه‌های کلان ناموفق مدرنیستی، از ایده‌های معماران مانند لوکوربوزیه تا نظریه‌های مشارکتی هابراکن و از موفقیت شرکت‌های پیش‌ساخته ژاپنی اقتصاد، سلیقه و حتی سیاست دست به دست هم داده‌اند تا شکل و سرنوشت خانه‌ای را تعیین کنند که قرار است مامن میلیون‌ها انسان باشد. به گفته معصومی، «ساخت مسکن» نه کتابی صرفا فنی برای مهندسان است، نه اثری صرفا نظری برای معماران، بلکه پیشنهادی صریح برای هرکسی است که می‌خواهد نسبت به امکان ساخت خانه‌هایی باکیفیت و در عین حال در دسترس برای عموم جامعه، نگاهی واقع‌بینانه و تاریخی داشته باشد.

●●● چرا سراغ این کتاب رفتید و لطفا کمی راجع به کتاب توضیح دهید؟ وقتی صحبت از نظریه در حوزه معماری می‌شود، در مورد معماری کتب متعددی وجود دارد. اکثر این کتاب‌ها به دنبال بیان فلسفه فکری طراحان درباره چگونگی شکل‌گیری فضا هستند و کمتر به چرایی انتخاب روش ساخت پرداخته‌اند. این کتاب‌ها اکثرا به ترویج نظریات و افکاری می‌پردازند که هرچند در راستای ارتقای کیفیت زیست و غنای فرهنگی و اجتماعی هستند، ولی در عمل در ساختمان‌های لوکس و گران‌قیمت کاربرد دارند و نه در ساختمان‌های معمولی که اکثریت قریب به اتفاق شهروندان در آنها زندگی می‌کنند. در حالی که انقلاب صنعتی و توسعه شبکه ارتباطی، فرصتی برای ابداع و نشر روش‌های مختلف ساخت را فراهم کردند و دست انسان در انتخاب روش‌های مختلف ساخت باز شد. به روش‌ها و ابزار مختلف، گزینه‌های متعددی پیش روی انسان قرار گرفت تا با کمک آن ساختمان بسازد. این اتفاق هم می‌توانست نوعی سردرگمی با خود بیاورد و هم پتانسیل‌های مختلفی با خود همراه داشت. یکی از این پتانسیل‌ها این بود که ما بتوانیم خانه‌های ارزان‌تر و باکیفیت‌تری بسازیم. در راستای تحقق این امر افراد متعددی تلاش‌های متفاوت و زیادی انجام داده‌اند تا از این امکان برای خلق ساختمان و به‌خصوص خانه‌های باکیفیت و ارزان برای عموم جامعه استفاده کنند. تلاشی که کمتر در مراکز آکادمیک معماری به آنها پرداخته می‌شود. این کتاب سعی کرده بخش عمده‌ای از این تلاش‌ها را به‌طور مشخص در حوزه معماری مسکن معرفی کند که چه افرادی، با چه روشی، چه تلاش‌هایی کرده‌اند و نتیجه کارشان چه شد. چقدر موفق بوده‌اند و اگر موفق نبوده‌اند، چرا. این کتاب با نیم‌نگاهی آسیب‌شناسانه سرنوشت هرکدام از این تلاش‌ها و نتیجه آنها را در معرض قضاوت مخاطب قرار داده است. به‌طور خلاصه در کتاب نظریه‌های ساخت مسکن، نظریه‌های مختلفی در ارتباط با نحوه ساخت، نحوه استفاده از مصالح نوین و... معرفی شده است.

این کتاب، بحث متفاوتی به بحث‌های نظری در حوزه معماری دارد. این نگاه متفاوت انگیزه‌ای شد تا من دستم برای ترجمه این کتاب بزنم. بنابراین دلیل اولی که موجب شد من سراغ این کتاب بروم، این بود که به موضوعی مهم ولی کمتر پرداخته‌شده یعنی نظریات اندیشمندان حوزه معماری و ساختمان در موضوع خاص ساخت توجه کرده بود. دوم اینکه کتاب درخصوص موضوع بسیار مهم و مبتلا به جامعه امروز ما یعنی مسکن و چگونگی تأمین مسکن ارزان از منظر روش ساخت، تجربیات مختلف را معرفی کرده است. در نهایت از این نظر تصمیم به ترجمه این کتاب گرفته شد؛ چون به نظر می‌رسد ما در حال حاضر در شرایطی مشابه با آنچه انقلاب صنعتی اتفاق افتاد، قرار داریم. از این‌رو مرور تجربه گذشته می‌تواند چراغ راه خوبی برای انتخاب مسیر آینده باشد؛ چراکه انقلاب دیجیتال و هوش مصنوعی که در حال حاضر در حال وقوع است، تحولی مشابه آنچه را انقلاب صنعتی در حوزه معماری و ساختمان ایجاد کرد، به همراه خواهد داشت. از این‌رو شناخت تجربیات و نحوه مواجهه متفکران معماری با امکاناتی که انقلاب صنعتی فراهم کرد، می‌تواند چراغ راهی باشد برای متفکرانی که امروز می‌خواهند از قابلیت‌هایی که انقلاب هوش مصنوعی فراهم کرده است، برای حل مشکل مسکن استفاده کنند.

جلد کتاب «ساخت مسکن: نظریه نوین در قرن بیستم با تأکید بر تجربیات ژاپن»



به ترجمه این کتاب بزنم. بنابراین دلیل اولی که موجب شد من سراغ این کتاب بروم، این بود که به موضوعی مهم ولی کمتر پرداخته‌شده یعنی نظریات اندیشمندان حوزه معماری و ساختمان در موضوع خاص ساخت توجه کرده بود. دوم اینکه کتاب درخصوص موضوع بسیار مهم و مبتلا به جامعه امروز ما یعنی مسکن و چگونگی تأمین مسکن ارزان از منظر روش ساخت، تجربیات مختلف را معرفی کرده است. در نهایت از این نظر تصمیم به ترجمه این کتاب گرفته شد؛ چون به نظر می‌رسد ما در حال حاضر در شرایطی مشابه با آنچه انقلاب صنعتی اتفاق افتاد، قرار داریم. از این‌رو مرور تجربه گذشته می‌تواند چراغ راه خوبی برای انتخاب مسیر آینده باشد؛ چراکه انقلاب دیجیتال و هوش مصنوعی که در حال حاضر در حال وقوع است، تحولی مشابه آنچه را انقلاب صنعتی در حوزه معماری و ساختمان ایجاد کرد، به همراه خواهد داشت. از این‌رو شناخت تجربیات و نحوه مواجهه متفکران معماری با امکاناتی که انقلاب صنعتی فراهم کرد، می‌تواند چراغ راهی باشد برای متفکرانی که امروز می‌خواهند از قابلیت‌هایی که انقلاب هوش مصنوعی فراهم کرده است، برای حل مشکل مسکن استفاده کنند.

ترجمه کتاب حدودا یک سال زمان برد ولی سر موضوع حق مؤلف با چالش جدی مواجه شدیم. از یک طرف در ایران الزامی برای رعایت حق مؤلف خارجی وجود ندارد. از طرف دیگر ناشران ژاپنی سخت‌ترین استانداردهای مرتبط با کپی‌رایت را رعایت می‌کنند و چون برای من به دلایل اخلاقی رعایت کپی‌رایت بسیار مهم است، به راحتی توانستم زمینه انتشار کتاب را فراهم کنم و چندسالی انتشارش به تعویق افتاد تا اینکه توانستیم به کمک «انتشارات شرق» رضایت مؤلف را جلب کرده و کتاب را منتشر کنیم.

لطفا نویسنده و ویراستار کتاب را معرفی کنید. کتاب نوشته آقای شوایچی ماتسومورا (Shuichi Matsumura) است، ایشان در حال حاضر استاد دانشگاه توکیو و رئیس دانشگاه هنر کوبه هستند. پروفیسور ماتسومورا که از پژوهشگران درجه‌یک در حوزه روش ساخت در معماری هستند، در زمان فعالیت در دانشگاه توکیو این کتاب را به عنوان چکیده ۳۰ سال فعالیت پژوهشی خود در حوزه ساخت منتشر کردند. درخصوص ویراستار کتاب، به دلیل اینکه کتاب به زبان ژاپنی است و ما در ایران نداریم دوستانی که در حوزه معماری به این زبان مسلط باشند، درخصوص محتوا و ویرایش علمی توانستیم از کمک متخصصان استفاده کنیم.

آیا می‌توان از محتوای کتاب برای حوزه ساخت در ایران استفاده کرد؟

ببینید این کتاب به بررسی تکنیکال روش‌های ساخت مسکن نیرداخته است. یعنی این کتاب برای کسی که می‌خواهد با مطالعه آن روش ساختی را یاد بگیرد و عین به عین اجرا کند، مفید نیست. بلکه به ایده، اهداف و رویکرد افراد مختلف که روش‌های مختلف ساخت را ابداع کردند، پرداخته و میزان موفقیت هر یک از این تجربیات را ارزیابی کرده است. با مطالعه این کتاب متوجه می‌شویم چه نظریات یا چه نوع ایده‌هایی موفق بودن و دلایل ناموفق‌بودن دیگران چه بوده است. با مطالعه این کتاب از تجربه دیگران می‌آموزیم که موفقیت یا عدم موفقیت نظریه ساخت فقط تابعی از تکنولوژی به‌کاررفته در ساخت و ماهیت تکنیکال آن نیست، بلکه به مجموعه عوامل اجتماعی فرهنگی بستری که آن تکنولوژی در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد نیز مرتبط است.

این کتاب به ما چکیده‌ای از مجموعه تجربیاتی از اروپا، آمریکا تا شرق دور، ژاپن و میزان موفقیت یا عدم موفقیت آنها در میزان استفاده از صنعت و ارتقای کیفیت و کاهش



نمای ساختمان آپارتمانهای مدرن در تهران

مینم معصومی از چرایی ترجمه کتاب «ساخت مسکن: نظریه نوین در قرن بیستم با تأکید بر تجربیات ژاپن» می‌گوید

چکیده‌ای از تجربه بشر برای ساخت خانه‌ای ارزان و باکیفیت

کتاب به ما کمک می‌کند تا واقع‌گرایانه‌تر نسبت به قابلیت‌های صنعت در کنترل قیمت آشنا شویم و به بررسی تجربیات کشورهای دیگر می‌پردازد و در نهایت دریچ‌ای به روی ما باز می‌کند که روش ساخت فقط یک بحث تکنیکال نیست، بحث اجتماعی هم هست. ملاحظات اجتماعی خاص خود را دارد و در کنار بحث‌های تکنیکال باید به ملاحظات اجتماعی نیز توجه کرد. این کتاب می‌تواند دید ما را به روش‌های ساخت حوزه مسکن باز کند و نگاه جامع‌تری نسبت به امر طراحی روش ساخت مسکن داشته باشیم تا بتوانیم تصمیماتی را خطای کمتر بگیریم.

لطفا در مورد نکات اجتماعی که کتاب مدنظر قرار می‌دهد، اشاراتی بفرمایید.

البته این کتاب توسط یک متخصص معماری نگاشته شده است و مسلما یک نگاه جامعه‌شناختی نیست ولی تقریبا اکثر تجربیاتی که کتاب معرفی کرده و دلایل موفقیت یا عدم موفقیت آنها را در یک بستر اجتماعی فرهنگی ارزیابی کرده است.

این کتاب مثال‌های متعددی از نظریه‌های ساخت مسکن مبتنی بر آخرین تکنولوژی‌ها و دانش روز، اصول معماری عملکردگرا حتی مبتنی بر سرمایه کلان ملی را معرفی می‌کند که هرچند سرنیاهی برای ساکنان فراهم کردند و هرگز تبدیل به محیط مسکونی مطلوب نشدند، ولی در مقابل تجربه‌ای از آمریکا معرفی می‌کند که در آن به‌صورت بسیار سازمان‌یافته و سیستماتیک شبیه روش خط تولید خودروی فورد برای شهرکی بسیار ارزان‌قیمت و با روش ساختی شبیه روش متداول محلی معرفی می‌کند.اگرچه روش ساخت آن خیلی مکانیزه نبود و خانه‌ها آن‌قدر کوچک و محقر بودند که مطبوعات آن زمان از آنها به عنوان لانه خرگوش یاد کرده و نقد کردند، ولی به واسطه تحقیقاتی که درخصوص این شهرک انجام شده است، به ما می‌گوید به دلیل اینکه در طراحی اولیه این شهرک به ساکنان اجازه شخصی‌سازی و توسعه اندک خانه‌ها از یک طرف و شبکه اجتماعی و محلی که در آنجا ایجاد شده، داده شد، این شهرک امروز هم بعد از چند دهه از ساخت یک محله مسکونی بسیار سرزنده و پویاست.

با مثلا نظریه معمار هلندی هابراکن (N. John Habraken) درخصوص تفکیک سازه را معرفی می‌کند تا بستری برای مشارکت بیشتر ساکنان در طراحی و ساخت فضای مسکونی خود فراهم کند. با وقتی درخصوص نقش پدر مکتب مدرنیسم در معماری لوکوربوزیه (Le Corbusier) در ترویج سازه بتن‌آرمه در سرتاسر جهان صحبت می‌کند، به توجه لوکوربوزیه به ارائه تصویر ساده و قابل درک برای همه از قابلیت‌های سازه و روش ساخت ساده و مبتنی بر توانایی‌های محلی اشاره می‌کند. در تحلیل موفقیت‌ها و شکست‌های شرکت بزرگ خانه‌های پیش‌ساخته ژاپن هم نقطه شروع موفقیت آنها را از زمانی می‌داند که آنها با مطالعه بازار سعی می‌کنند ویژگی‌ها و نیازهای بازار هدف را شناسایی و براساس آن محصولات خود را تولید و عرضه کنند.

وجود چنین مثال‌هایی در این کتاب به تدریج این ذهنیت را در مخاطب تقویت می‌کند که شرط لازم برای موفقیت یک روش ساختمانی، هماهنگی و همخوانی آن با شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه‌ای است که قرار است با آن روش ساخت‌وساز صورت بگیرد.

لطفا بفرمایید مخاطب کتاب چه کسانی هستند؟ کسانی که به بحث مسکن به‌صورت عام علاقه‌مند هستند از هر نوع نگرشی، کتاب می‌تواند برایشان مفید باشد. کتاب زبان ساده‌ای دارد و خیلی فنی نیست. علاوه بر آن دریچه جدیدی باز می‌کند که زمانی که به روش ساخت به مسکن نگاه می‌کنید، می‌توانید بررسی کنید که چه توانایی‌ها و چه محدودیت‌هایی وجود دارد. کتاب توانسته این امر را تا حد زیادی برای ما باز کند. به همین دلایل چه کسانی که از حوزه اجتماعی یا سیاست‌گذاری یا ساخت یا اقتصادی به مسکن نگاه می‌کنند و چه آنها که در حوزه طراحی مسکن هستند، با مطالعه این کتاب می‌توانند نگاه نسبتا متفاوت‌تری را نسبت به قابلیت‌های این کتاب پیدا کنند که می‌تواند در مسیر آتی آنها نقش مؤثری ایفا کند.

اگر خودتان بخواهید در حد یک جمله کتاب را تعریف کنید، چه می‌گویید؟

این کتاب تجربیات متعدد در حوزه ساخت مسکن را تجزیه و تحلیل کرده و چکیده‌ای است از تجربیات بشر در ۱۵۰ سال اخیر در حوزه ساخت مسکن.

یادداشت

نسل Z؛ بازتعریف زندگی در سایه تردیدها

علیرضا رحیمی* درباره نسل Z بسیار گفته شده و بیشتر نیز داوری شده است؛ نسلی که هنوز به‌درستی شنیده نشده، اما بارها درباره‌اش قضاوت شده است. آنچه ما امروز در مواجهه با این نسل می‌بینیم، نه نوعی سهل‌انگاری نسلی، بلکه نوعی زیستن در دنیایی است که دیگر به وعده‌ها اعتماد ندارد و برای همین، ساختار زندگی را بازتعریف کرده است. نسل Z در دل بحران‌های جهانی و ناپایداری‌های اقتصادی و فرهنگی شکل گرفته است. با اینترنت و شبکه‌های اجتماعی رشد کرده، با پاندمی، تورم و ناامنی شغلی خو گرفته و به جای رؤیای بزرگ، به دنبال واقعیتی تحمل‌پذیر است. آنها برخلاف نسل‌های پیشین، نمی‌خواهند «جهان را تغییر دهند» تا جایی رازی زیستن پیدا کنند؛ آنها می‌خواهند جهانی کوچک اما واقعی برای خود بسازند که در آن شنیده شوند، دیده شوند و حق انتخاب داشته باشند. درواقع آنچه شاهدش هستیم، صرفا یک رفتار نسلی محدود به مرزهای ایران نیست؛ بلکه بازتاب یک پارادایم شیفت جهانی است. جهان امروز از مدل‌های جمع‌گرایانه و کار تیمی به سمت نوعی فردگرایی عمل‌گرایانه حرکت کرده است. دغدغه افراد، بیش از آنکه ناظر بر «ما» باشد، حول محور «من» شکل می‌گیرد. این نسل، بیش از آنکه بخواهد بخشی از یک پروژه جمعی تغییر جهان باشد، به دنبال ساختن یک جهان کوچک شخصی است که در آن احساس آرامش، رفاه، رشد و معنا داشته باشد. آنها به نوعی اومانیستی‌تر از نسل‌های پیشین‌اند؛ یعنی انسان را نه در نسبت با آرمان‌های جمعی، بلکه در نسبت با خودش، نیازهایش و کیفیت زندگی روزمره‌اش تعریف می‌کنند. این دگرگونی، الزاما نشانه بی‌تعهدی نیست، بلکه بیشتر نشانگر تغییر جایگاه ارزش‌ها در جهان متأخر است. در گفت‌وگوهای متعددی که با جوانان این نسل داشتم، نه با بی‌تفاوتی، بلکه با نوعی احتیاط و دقت مواجه شدم. این نسلی، کمتر هیجان‌زده می‌شود و بیشتر می‌پرسد، به جای شعارهای بزرگ، با سؤال‌های ساده، اما مهم روبه‌رویت می‌ایستد: «چرا باید فلان مسیر را بروم؟»، «آیا این شغل یا آن ازدواج به من احساس رضایت خواهد داد؟»، «آیا می‌توانم خودم باشم؟» این پرسش‌ها شاید ساده به نظر برسند، اما در دل خود نوعی بلوغ پنهان دارند؛ بلوغی که به تجربه زیسته وفادار است، نه به روایت‌های آشنا. بسیاری از کلیشه‌های اجتماعی برای این نسل معنای خود را از دست داده‌اند، اگر کسی بخواهد به ۲۵سالگی ازدواج کند، اگر اولویت را به سلامت روان دهد نه به ظاهر موفقیت‌آمیز زندگی، اگر به جای قهرمان‌سازی از چهره‌های سیاسی از موسیقی برای بهترشدن حالش بهره برد، اینها نشانه ضعف یا گرسنگی نیست؛ اینها نشانه جابه‌جایی مفاهیم است؛ مفاهیمی که از «باید» به سمت «می‌خواهم» حرکت کرده‌اند. درعین حال، این نسل درباره مسائل اجتماعی بی‌اعتنا نیست. فقط فرم تعهدش تغییر کرده است. به جای عضویت در احزاب یا تشکل‌های ایدئولوژیک، در سکوت و بی‌ادعا زواله‌های جنگل را جمع می‌کند، برای کودکان کار لباس و لوازم مدرسه می‌فرستد و در کمپین‌های محیط‌زیستی مشارکت می‌کند. آنها با فریاد نمی‌خواهند دنیا را عوض کنند؛ با رفتار می‌خواهند بخشی از آن را ترمیم کنند. و در این میان، نمی‌توان از نقش دختران در این نسل چشم‌پوشی کرد. افزایش سطح تحصیلات، دسترسی به فرصت‌های شغلی حتی محدود و استقلال نسبی در انتخاب سبک زندگی، باعث شده که دختران نسل Z دیگر صرفا پیرو مسیرهای از پیش تعیین‌شده نباشند. این خود نه تهدید است، نه بحران، بلکه اگر به‌درستی درک شود فرصتی است برای بازتعریف برابری، مشارکت و حتی خانواده. مسئله اصلی ما، در حوزه سیاست‌گذاری جوانان، این است که هنوز می‌خواهیم با ابزارهای دیروز، مسئله امروز را حل کنیم. ما نیازمند فهمی تازه‌ایم؛ فهمی که در آن «زندگی معمولی» این نسل، خواست‌های سطحی تلقی نشود، بلکه نوعی کش هوشمندانه برای بقا، رشد و حفظ کرامت انسانی دانسته شود. اگر نشنوم، دآوری خواهیم کرد؛ و اگر دآوری کنیم، فاصله‌ها را عمیق‌تر خواهیم کرد. نسل Z از ما انتظار ندارد مثل آنها شویم، بلکه فقط می‌خواهد برای لحظه‌ای خودمان را جایی آنها بگذاریم. این موضوع نه‌تنها مسئولیت ماست، بلکه نخستین گام برای ساختن آینده‌ای است که فقط در سایه تفاهم ممکن می‌شود، نه تحمیل.

♦دبیر شورای عالی نوجوانان و جوانان کشور و معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان